

## تبیین جامعه‌شناختی توزیع قدرت متقارن و نامتقارن در خانواده و تأثیرات آن بر سبک زندگی زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تهران)

مریم بخشی پور<sup>۱</sup>، حسین آقاجانی مرساء<sup>۲</sup>، علیرضا کلدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۷

### چکیده

تحقیق حاضر به بررسی توزیع قدرت در خانواده معاصر به عنوان یک مسأله اجتماعی می‌پردازد. چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از تئوری‌های تبیین قدرت در خانواده و نظریات اندیشمندی چون زیمل، وبلن، گیدنز و بوردیو در رابطه با سبک زندگی می‌باشد. فرضیه اصلی پژوهش این است که میان توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان رابطه معنادار وجود دارد. تحقیق حاضر، به لحاظ ماهیت، کاربردی، به لحاظ زمان، مقطعی و به لحاظ معیار وسعت، پهنا نگر می‌باشد. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری را کلیه زنان متأهل مناطق ۱۹۰۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند. داده‌های تحقیق با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای در دسترس از ۳۸۳ نفر جمع‌آوری گردیده است. رابطه بین متغیر مستقل (توزیع قدرت در خانواده) و متغیر وابسته (سبک زندگی خانواده) با آزمون کای اسکوئر ( $\chi^2$ ) سنجیده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توزیع قدرت در خانواده معاصر نیازمند عدالت و تقارن بیشتری است؛ ۴۶ درصد از خانواده‌های معاصر، توزیع قدرت متقارن و ۵۴ درصد از خانواده‌ها، توزیع قدرت نامتقارن مرد محور را تجربه می‌کنند. بین توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان رابطه معنادار وجود دارد. با مدرن‌تر شدن سبک زندگی زنان جامعه، از خانواده‌هایی سالم‌تر و دموکراتیک‌تر بهره‌مند خواهیم شد.

**واژگان کلیدی:** قدرت متقارن، قدرت نامتقارن، خانواده، تصمیم‌گیری، تقسیم کار خانگی، سبک زندگی مدرن، الگوی مصرف

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پست الکترونیکی: mmbakhshipoor@gmail.com  
۲ نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پست الکترونیکی: a\_marsa1333@yahoo.com  
۳ استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پست الکترونیکی: arkaldi@yahoo.com

## مقدمه

آنتونی گیدنز درباره تغییراتی که در سطح جامعه و خانواده در دوران مدرنیته رخ می‌دهد معتقد است «اگر بخواهیم بدانیم که در قلمرو خانواده و نقش‌های درون آن چه تحولاتی در حال وقوع اند، تا حدود زیادی خواهیم فهمید که در الگوهای گسترده‌تر زندگی اجتماعی چه اتفاقی در جریان است» (گیدنز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷: ۵۲). از روزنه حیات اجتماعی هرگز جامعه‌ای به سلامت دست نمی‌یابد، مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۳۲). جامعه‌ای را می‌توان سالم خواند که خود و اعضاء آن به مرحله‌ای از واقع‌گرایی گسترش یافته و به آدمی امکان دهد تا واقعیت خود، دیگران و طبیعت را به شیوه‌های عینی درک کنند. جامعه‌ای سالم است که ساخت اجتماعی-اقتصادی در آن زمینه‌های احترام به استقلال هر یک از افراد را فراهم کند و هر فرد توانایی انتخاب راه و رسم زندگی خود را، در شیوه‌هایی سازمان یافته داشته باشد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۱: ۳۵۲). زندگی روزمره، بستر شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی از جمله قدرت است. اگر چه قدرت یکی از جنبه‌های اجتناب‌ناپذیر روابط انسانی است، ولی ساختار آن به دلیل موقعیت‌های متفاوت اجتماعی ثابت نیست و منابع به وجودآورنده آن برای زنان و مردان متفاوت است. به همین دلیل یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه‌شناسان در حوزه مطالعات خانواده و روابط بین زنان و مردان، مطالعه در توزیع قدرت است. چگونگی تقسیم قدرت در خانواده میان زن و شوهر، با کم و کیف خوش بختی زوجها رابطه دارد (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۲۷). خانواده همچون سایر نهادهای تشکیل‌دهنده جامعه در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. در ایران با آغاز ورود فرایند نوسازی به کشور، رشد ارتباطات اجتماعی و به دنبال آن آشنایی با تحولات ساختاری در سایر جوامع، خانواده ایرانی هم دستخوش تغییرات شد (قندهاری، ۱۳۸۲: ۷). بدین ترتیب نحوه توزیع قدرت در خانواده به یک موضوع اجتماعی مهم و بحث‌انگیز و موضوعی با اهمیت و پیچیده تبدیل شده است (محمدی، ۱۳۹۱: ۲). گیدنز وجود اقتدار مذاکره شده در خانواده را امری در حال گسترش می‌داند. «مهارت‌های ارتباطی که در عرصه‌های زندگی شخصی رشد می‌یابند به خوبی قابل تعمیم در محیط‌های گسترده‌ترند» (گیدنز، همان: ۵۲). هرچند در تاریخ، اقتدار مسئله مهمی بوده و برای دوران طولانی حضور پدر مقتدر در خانواده ضروری بوده و به پیشرفت جامعه کمک کرده اما در شرایط فعلی سبب پیدایش شخصیت‌های سلطه طلب گشته و جامعه را به سوی دیکتاتوری سوق می‌دهد (اعزاز، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

## طرح مسأله

تافلر<sup>۲</sup> معتقد بود در عصر اطلاعات با گسترش تجهیزات الکترونیکی، زندگی افراد دگرگون شده و امکانات تازه‌ای ایجاد می‌شود و نظام‌های تخصیص امتیاز و سلسله مراتب شغلی گذشته و به ویژه تقسیم کار بر اساس جنس و شعبه شعبه کردن کارها از بین می‌رود، در این روند زنان به عنوان نیروی مهم و تأثیرگذار نقش مهمی ایفا می‌کنند (تافلر، ۱۳۷۴: ۲۲۵). ورود صنعت و تکنولوژی جدید، خانواده ایرانی را نیز دچار

1 Giddens

2 Toffler

دگرگونی نموده است. به طور کلی دگرگونی خانواده ایرانی و ابعاد مختلف آن در نیم قرن اخیر، آرام، کند، مستمر و قاطع بوده است (قادری، ۱۳۷۵: ۵). به دنبال این دگرگونی‌ها ساختار خانواده از ابعاد مختلف، بویژه از لحاظ توزیع قدرت و نوع اقتدار حاکم بر آن و همچنین از نظر تقسیم کار سنتی، دستخوش دگرگونی شده است (میشل<sup>۱</sup>، ۱۳۵۴: ۱۲۸). در نتیجه در کارکردهای خانواده، تغییراتی ناهماهنگ با تغییرات ساختی آن پدید آمده است. روابط درون خانواده، تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته و در آن تغییراتی رخ داده است. از این لحاظ ممکن است خانواده در معرض آسیب پذیری قرار بگیرد و دچار از هم پاشیدگی شود (وئوقی، ۱۳۸۴: ۳۸). خانواده کانونی است که در آن چگونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حتی احساس رضایت، احساس بیگانگی و تنهایی و خوش بختی زناشویی اثر می‌گذارد. شواهد فراوانی گویای آن است که زوجها در جامعه امروزی به دلیل تحولات زندگی، برای حفظ روابط صمیمی و درک احساسات و از همه مهم تر تقسیم عادلانه قدرت با یکدیگر با مشکلاتی مواجه هستند. عدم برقراری ارتباط صحیح و حفظ روابط صمیمی همسران در کنار عوامل اقتصادی و فرهنگی اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد (مهدوی و صبوری، همان: ۲۹۱). نا استواری زناشویی<sup>۲</sup> که نتیجه نهایی آن طلاق است، خانواده را از کارکردهای خود باز می‌دارد و مخصوصاً به کودکان لطمه می‌زند (آریان پور، ۱۳۸۰: ۳۸۲). برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در ۴۰ درصد از خانواده‌های تحت مشاوره که «خانواده‌های مرزی» نامیده می‌شوند، مبارزه قدرت وجود دارد. این گونه خانواده‌ها دشوارترین افراد برای درمان هستند (سعیدیان، ۱۳۸۲: ۲). تعارضها و تضادهای درون خانواده، در بسیاری از موارد خانواده را عاملی برای تربیت و تحویل جوانانی با مشکلات فردی و اجتماعی به جامعه تبدیل می‌کند (اعزاز، همان: ۲۱۳). عمودی شدن هرم قدرت در خانواده، موجبات پیدایش شخصیت‌هایی را فراهم می‌آورد که اتکا به نفس ندارند و همواره در صدد همنوایی هستند؛ انسان‌های کوچکی که حتی در بزرگسالی در جستجوی حامی و پناه هستند. در یک کلام، در یک خانواده با ساختار عمودی قدرت، انسان‌هایی غیر متعادل پدید می‌آیند، چنین انسان‌هایی نه شهروندانی مناسب هستند، نه بلوغ لازم برای اداره جامعه را احراز خواهند کرد (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۱). یکی از مهمترین تأثیرات نحوه توزیع قدرت در خانواده بر شیوه و سبک زندگی خانواده است (اسپری<sup>۳</sup>، کارلسون<sup>۴</sup> و جودیت<sup>۵</sup>، ۱۳۷۸: ۴۵). توزیع قدرت متقارن و نامتقارن در خانواده، سبک زندگی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سبک زندگی<sup>۶</sup> را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورند بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد (رحمت آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۹). سبک

1 Michelle

2 marital instability

3 Spray

4 Carlson

5 Judith

6 Lifestyle

زندگی، ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند اجتماعی شدن بوجود آمده است (اکبرزاده، محمد، ۱۳۸۶: ۵۲). مفهوم سبک زندگی، به عنوان مفهوم مستقلی که نشانگر رویکرد تحلیلی تازه ای به مبحث تمایزات و تحرکات اجتماعی است وارد علوم اجتماعی شد. این مفهوم دامنه وسیعی از پژوهش‌های اجتماعی را در بر گرفت و به استفاده از کالاهای مصرفی برای تمیز و تثبیت هویت اجتماعی مربوط می‌شدند (اباذری و چاوشیان: ۱۳۸۱: ۱۱). حال که مهم‌ترین تحول پدیدآمده در قرن اخیر، گسترش تاریخی مصرف بوده است، به مفاهیمی جدید برای تحلیل جامعه نیازمندیم. مفهوم یا مفاهیمی که بتوانند تحول پدید آمده را در خود بروز داده و برنامه پژوهشی جدیدی را نیز پیش روی علوم اجتماعی قرار دهند. ظاهراً مفهوم سبک زندگی چنین خصایصی را داراست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۱). در عصر حاضر، با توجه به اینکه ایران کشوری در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است، سبک زندگی خانواده‌های معاصر نسبت به گذشته تغییر یافته است؛ افزایش سطح سواد آموزی افراد به ویژه زنان، ورود زنان به اجتماع و داشتن مشارکت و کنترل بر منابع اقتصادی خانواده، از جمله عواملی است که الگوهای سنتی خانواده را تحت تأثیر قرار داده و بر تغییر ساختار خانواده و الگوی توزیع قدرت در خانواده تأثیر بسیار داشته است (اسپری، کارلسون و جودیت: ۱۳۷۸: ۴۵) با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر در پی بررسی توزیع قدرت در خانواده به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌باشد.

### سوالات تحقیق

- ۱- چه نوع از قدرت در خانواده‌های تحت مطالعه توزیع شده است؟
- ۲- آیا بین سبک زندگی در خانواده معاصر و نوع قدرت توزیع شده در آن رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین نوع قدرت توزیع شده در خانواده والگوی مصرف فرهنگی زنان رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین نوع قدرت توزیع شده در خانواده و نوع نگرش زنان به زندگی رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا بین نوع قدرت توزیع شده در خانواده و الگوی مصرف اقتصادی و مادی زنان رابطه وجود دارد؟
- ۶- آیا بین نوع قدرت توزیع شده در خانواده و نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان رابطه وجود دارد؟

### اهداف تحقیق

بررسی توزیع قدرت در خانواده معاصر. (توزیع قدرت در خانواده معاصرمتقارن و دموکراتیک است یا نامتقارن و غیر دموکراتیک؟)

- بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان.
- بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف فرهنگی زنان.
- بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده و نگرش زنان نسبت به زندگی.
- بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده والگوی مصرف مادی و اقتصادی زنان.
- بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده ونحوه گذراندن اوقات فراغت زنان.

### پیشینه تحقیق

منصوریان وقادری (۱۳۷۴)، در پژوهشی با عنوان «ساخت قدرت در خانواده» در شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که الگوی تقسیم کار، تحت تأثیر میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال زن و سن شوهر می‌باشد. ذوالفقار پور (۱۳۸۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با رضایت مندی زناشویی بین زنان کارمند و خانه دار شهر تهران» به بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایتمندی زناشویی پرداخته است؛ نتایج نشان داد که بین ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زناشویی زنان و تحصیلات شوهر، رابطه وجود دارد.

ساروخانی و پناهی (۱۳۸۵)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی رابطه ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که هر اندازه ساخت قدرت در خانواده برابر تر و مبتنی بر تصمیم گیری‌های مشارکتی باشند، فرزندان در بزرگسالی به سمت مشارکت‌هایی با برد گسترده و با شعاع بیشتر مانند عضویت در احزاب و تشکل‌ها گرایش پیدا می‌کنند.

گروسی (۱۳۸۷)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان» به این نتیجه می‌رسد که ساختار قدرت خانوادگی، همانگونه که پیش بینی می‌شود به نفع شوهر است و میان ساخت قدرت در خانواده و میزان دسترسی زنان به منابع، نوع باورها، شناخت آنها از توانایی زنان و مردان و برخی عوامل زمینه ای دیگر، رابطه معناداری وجود دارد.

شریفیان در پژوهشی در سال ۱۳۸۸، تحت عنوان «بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده» به بررسی تاثیر اشتغال زنان بر قدرت تصمیم گیری آنها در خانواده پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که اشتغال زنان سبب افزایش قدرت تصمیم گیری آنها در امور اقتصادی، نحوه تربیت فرزند، تعیین موالید، تعیین نحوه گذراندن اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها می‌شود اما میان اشتغال زنان و دید و باز دیدهای خانوادگی رابطه معناداری یافت نشد.

در پژوهش سفیری و آراسته (۱۳۸۹) «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و اقتصادی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده» که با روش نمونه گیری تصادفی از میان ۱۹۹ زن متأهل تهرانی انجام شده است این نتیجه حاصل گردید که بین سرمایه اقتصادی و فرهنگی زنان با روابط دموکرات با همسر رابطه معنا دار وجود دارد.

اولاه وهمکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی که به شیوه میدانی انجام دادند به این نتیجه می‌رسند که اشکال مختلف خانواده در حال شکل گیری است و نقش‌های جنسیتی نیز تا حدی تغییر یافته است و ساختارهای جنسیتی در حال متحول شدن هستند. اما با وجود همه اینها هنوز زنان با وجود کار تمام وقت خارج از خانه به کارپاره وقت درون خانه نیز می‌پردازند و مسئولیت دو نوع کار را برعهده دارند.

واستون<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در نوشتاری با عنوان «برابری جنسیتی برای همه» که به شیوه اسنادی انجام داده است به این نکته اشاره دارد که تبعیض و نابرابری در خانواده به زن و مرد هردو آسیب می‌زند. یکی از انواع

1 Livia Sz.Olah and etal

2 Watson,Lilla

خشونت علیه زنان و دختران، ناتوان پنداری آنان در تصمیم گیری‌های درون خانواده است. نابرابری جنسیتی از سیستم پدرسالاری ریشه گرفته است که این طرز تلقی و هنجار نادرست نسل به نسل منتقل شده است.

مرکز ملی انسانی امریکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی که با نام تصمیمات گروهی در خانواده و به شیوه اسنادی انجام داد به این نتایج دست یافت که مشارکت زنان در تصمیمات خانگی امری ضروریست و در غیر اینصورت تعداد زیادی از افراد جامعه گوشه گیر و منزوی می‌شوند.

زیپ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، تحقیقی تحت عنوان «روابط زن و شوهر و قدرت مخفی در ازدواج» انجام دادند، یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد که حتی اگر زنان درآمد بیشتری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیش تر موافقت نشان می‌دهند.

زو و بیان<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، در پژوهشی در چین نشان داده اند که چگونه دسترسی زنان چینی به منابع کار و درآمد، از یک سو به صورت غیر مستقیم با تعدیل نگرش‌های نقش جنسیتی و ایدئولوژی جدایی طلبی جنسیتی، موقعیت آنان را در روابط قدرت با شوهرانشان بهبود بخشیده است؛ بدین ترتیب افزایش منابع قدرت آور مانند اشتغال و درآمد در بین زنان، وضعیت ایشان را در روابط خانوادگی بهبود می‌دهد و این فرایند با کم‌رنگ شدن ایدئولوژی جنسیت‌گرا، سرعت بیشتری گرفته است.

لاوی و کاتز<sup>۴</sup> (۲۰۰۲)، در تحقیقی تحت عنوان «تقسیم کار، رعایت عدالت و کیفیت ازدواج» بر رابطه شیوه جامعه‌پذیر کردن زن و سهم او از توزیع قدرت اشاره دارند. نتیجه تحقیق حاکی از این است که ارزش‌ها و هنجارهایی که زن در فرایند جامعه پذیری درونی کرده است، شیوه عملکرد وی را در فرایند قدرت پیش بینی می‌کند. هرچند هر یک از پژوهش‌های فوق دارای نتایج ارزشمندی هستند و مرور آنها در زمینه موضوع، مسیر تحقیق حاضر را هموارتر نمود، اما باید گفت که در اکثر تحقیقاتی که در زمینه توزیع قدرت در خانواده صورت گرفته، به متغیرهایی در سطح خرد توجه شده است. در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن متغیرهایی در سطح کلان‌تر و جدیدتر سعی بر این است روابط بین نوع توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی آن بررسی گردد.

## مبانی نظری تحقیق

### تئوری تصمیم‌گیری<sup>۵</sup>

اولسون و کرامول در ارتباط با این نظریه و دیدگاه چند تن از نظریه پردازان آن، چنین می‌گویند: «نظریه پردازان نظریه تصمیم‌گیری علاقه مند به مطالعه‌ی نتایج و پیامدهای روند تصمیم‌گیری هستند. یعنی تمایل به آزمون این فرضیه را دارند که چه کسی تصمیم نهایی را می‌گیرد، و در بحث برنده می‌شود و روند تصمیم‌گیری به چه صورت انجام می‌گیرد» (اولسون و کرامول<sup>۶</sup>، ۱۹۷۵: ۳۲۱).

1 American Humane's National Center

2 Zipp

3 Zuo & Bian

4 Lavee & Katz

5 Decision-making theory

6 - Olson & Cromwell

مارچ<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) بر این عقیده است «مطالعه قدرت باید در چهارچوب تصمیم‌گیری مورد مطالعه قرار گیرد. بدین صورت که قدرت فرد را باید در تأییراتی که بر تصمیمات دیگر می‌گذارد، جستجو کرد» (همان: ۲۴۳). داهل<sup>۲</sup> (۱۹۵۷) در شرح تعریف مارچ از قدرت می‌گوید که فرد A تا حدی که بتواند فرد B را وادار به انجام کاری کند که در غیر آن صورت انجام نمی‌داد، بر او قدرت دارد (همان: ۳۴۴). پلارد<sup>۳</sup> و میشل<sup>۴</sup> نسخه‌ای دیگر از نظریه‌ی تصمیم‌گیری را مطرح کردند. پرسش محوری در تحلیل آنان این است که «آیا فرد A قادر است با توجه به رفتاری که دلخواه اوست بر تصمیم‌گیری‌های فرد B تأثیر بگذارد یا خیر؟» بدین ترتیب، سنجش میزان قدرت، نیازمند تعیین دو چیز است: هم مقصد و نیت فرد A و هم تأییراتی که فرد A بر تصمیم‌گیری‌های فرد B می‌گذارد. در واقع این محققان مدلی ارائه می‌کنند که در این مدل از برداشته‌ها، ادراک‌ها و تصمیمات افراد برای کمک به پیش‌بینی رفتار آن‌ها در روابط قدرت استفاده می‌شود (ذوالفقارپور، ۱۳۸۰: ۴۵).

### نظریه‌ی تقسیم کار خانگی<sup>۵</sup>

مطالعه تقسیم کار خانگی به مباحثی چون قدرت در خانواده و نابرابری جنسیتی دامن می‌زند. در عصر جهانی شدن برخی مفاهیم فرهنگی از جمله حقوق زنان به مفاهیمی عام و جهان‌شمول مبدل شده‌اند. این گفتمان‌ها در سطح خرد به شکل تساوی‌گرایی بین زن و مرد و تلاش در جهت رفع نابرابری جنسیتی در می‌آید (دیفن باخ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲: ۴۸). اسزینوواکس بیان می‌دارد که کارهای خانگی به ندرت از سوی افراد، با ارزش تلقی می‌شوند. بنابراین، تا حدی که امکان دارد از آن اجتناب می‌کنند. در نتیجه، هرچه قدرت یکی از زوجین در مقابل دیگری بیش تر باشد، تلاش می‌کند سهم خود را از کارهای خانگی به حداقل و سهم طرف مقابلش را از این کارها به حداکثر برساند (اسزینوواکس<sup>۷</sup>، ۱۹۷۸: ۴۱۴). قدرت هر یک از زوجین هم ناشی از منابعی است که در اختیار دارد و هم وابسته به اتکای طرف مقابل به منابع وی است. مطالعات، همبستگی معناداری بین درآمد همسر، اشتغال، تحصیلات و منابع مشابه و زمانی که فرد صرف کارهای خانگی می‌کند، نشان دادند (قندهاری، ۱۳۸۲: ۹۵). گاتسو - وین دل و مک مولین، تقسیم کار خانگی درون خانواده را شکلی از روابط قدرت بین زن و شوهر می‌دانند (گاتسو - وین دل و مک مولین<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳: ۳۴۳).

1 March

2 Dahl

3 Pollard

4 Mitchell

5 Household Work Division theory

6 Difenbach

7 Szinovacz

8 Gazso-Windle&McMullin

## نظریه مبادله اجتماعی<sup>۱</sup>

نظریه‌ی مبادله اجتماعی بر آن‌چه که در یک کنش متقابل رد و بدل می‌شود تأکید می‌ورزد. اصل کلی مبادله‌ی اجتماعی این است که انسان‌ها از رفتارهایی که مستلزم هزینه‌ی زیاد است، اجتناب نموده و در جستجوی موقعیت‌هایی هستند که در آن پاداش‌ها از هزینه‌ها بیش‌تر است. بنابراین، فرد با توجه به شناختی که از پاداش‌ها و هزینه‌ها دارد، بهترین شقّ ممکن را از میان شقوقی که در پیش رو دارد انتخاب خواهد کرد. به عقیده‌ی «ترنر» نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی معاصر ترکیبی است از اقتصاد سودباور، انسان‌شناسی کارکردی، جامعه‌شناسی تضاد و روان‌شناسی رفتارگرا (ترنر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۶۷).

به نظر هومانز<sup>۳</sup> (۱۹۵۸) مبادله، بستر تمامی روابط انسانی را تشکیل می‌دهد. رفتار اجتماعی نوعی مبادله‌ی کالا است، هم کالای مادی و هم کالای غیرمادی، مانند سمبل‌ها نشانه‌های تأیید یا حیثیت و اعتبار افرادی که کالاهای بسیاری به دیگران می‌دهند سعی می‌کنند که از دیگران نیز کالاهای بیش‌تری دریافت کنند و افرادی که کالاهای زیادی از دیگران دریافت می‌کنند برای دادن کالای بیش‌تر به آنان تحت فشار قرار می‌گیرند (همان: ۳۴).

ترنر معتقد است قدرت یکی از مفاهیم محوری نظریه‌ی مبادله است. اساس نظریه‌ی مبادله‌ی قدرت این است که نابرابری در منابع تولید، موجب تفاوت و تمایز میان کنش‌گران می‌گردد (همان: ۷۵). بر اساس نظریه مبادله سه عنصر هنجارهای اجتماعی، منابع و منافع، توزیع قدرت در یک رابطه را تعیین می‌کند. عنصر اول، بیان می‌دارد هنجارهایی مثل ریاست مرد در خانه و برخورداری از سن و پول بیشتر و تحصیلات بالاتر و شغل بهتر در مقایسه با زنان، موجب افزایش قدرت مردان شده است. عنصر دوم، منابع است. هر یک از دو شریک زندگی که منابع بیشتری مثل پول، دانش یا ظاهر فیزیکی بهتر، در اختیار داشته باشد، قدرت بیشتری دارد. عنصر سوم، منافع است؛ یعنی هر کدام از زوجین که منافع کمتری از این رابطه بدست آورد، قدرت بیشتری خواهند داشت (تایلر<sup>۴</sup> و همکاران، همکاران، ۲۰۰۰: ۲۷۶). از نظر بلاد<sup>۵</sup> علاوه بر عوامل ذکر شده، جذابیت فرد برای همسر نقش مهمی را در توزیع قدرت در خانواده بازی می‌کند (ریتزر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۹: ۴۰۲).

اولسون و کرامول (۱۹۷۵) معتقدند که نظریه‌ی مبادله در زمینه‌ی قدرت، تحلیل شبه اقتصادی از تعامل بین دو نفر ارائه می‌کنند. تعامل در قالب هزینه‌ها<sup>۷</sup> و پاداش‌هایی<sup>۸</sup> که این دو نفر برای یکدیگر یکدیگر به‌وجود می‌آورند نگریسته می‌شود و به جنبه‌ی دو طرفه‌ی پاداش‌ها، تنبیهات<sup>۹</sup> و یا هزینه‌ها توجه دارد (سعیدیان، ۱۳۸۲: ۳۲).

1 Social exchange theory

2 Turner

3 Homans

4 Taylor

5 Blowed and Wolf

6 Ritzer

7 costs

8 rewards

9 punishments



پیتر بلاو<sup>۱</sup> در نظریه‌ی مبادله معتقد است «هر گاه طرفی به چیزی که از آن دیگری است نیاز داشته باشد، اما برای جبران آن نتواند چیزی قابل مقایسه ارائه کند، می‌تواند خودش را تابع دیگران کند و از این طریق، اعتبار تعمیم‌یافته در روابطشان را به دیگران واگذار کند. (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۵۳)

## نظریه منابع<sup>۲</sup>

ایده‌ای اصلی نظریه‌ی منابع این است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای فرد دیگر جهت رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته‌ها، تمایلات و علایقش ضروری است. علاوه بر آن فردی که منابع و امکانات ارزشمند را در اختیار دارد ممکن است بهترین منبع جایگزین موجود برای آن منابع باشد. تحت چنین شرایطی، فردی که منابع و امکانات را از دیگری می‌خواهد ممکن است در عملکردش قدرت را مبادله و یا از آن صرف‌نظر کند (آبوت و والاس<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰: ۱۳۹). در نظریه‌ی منابع، بحث بر سر این است که ارزش منابع قابل مبادله‌ای که زن و شوهر با خود وارد روابط می‌کنند، متفاوت است (زو ولای<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲: ۱۱۵). با این نگاه، قدرت بیش‌تر در اختیار فردی است که نقش بیش‌تری در تأمین نیازهای خانواده دارد و جنسیت در این میان اهمیتی ندارد (گروسی، ۱۳۸۷: ۱۲).

بلاد و ولف<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) به طور خاص بر منابع درآمد، اشتغال و تحصیلات تمرکز می‌کنند و معتقدند بین این متغیرها و میزان قدرت در تصمیم‌گیری رابطه مثبت وجود دارد (وارنر<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۸۵: ۲۲۳). بلاد و ولف دریافته‌اند که قدرت شوهر با افزایش سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی وی و یا مجموعه‌ای از این عوامل افزایش می‌یابد. بنابراین، متغیرهای یاد شده به عنوان منابعی که مرد می‌تواند از آن جهت کسب قدرت بیش‌تر در روابط خانوادگی استفاده نماید، تعریف شدند. وقتی منابع اقتصادی-اجتماعی موجود برای زن و شوهر مورد مقایسه قرار می‌گیرد، هرچه اختلاف بین آنها بیش‌تر باشد، اختلاف قدرت بین زن و مرد هم بیش‌تر است (ذوالفقارپور، ۱۳۸۰: ۳۰).

ویلیام گود<sup>۷</sup> معتقد است که خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظامی اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده (شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در مسیر امیال خود وادار کند و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱).

ردمن<sup>۸</sup> معتقد است که منابع نسبی به علت وجود چندین عامل فرهنگی بنیانی، نقش مؤثری را در ایالات متحده و دیگر جوامع توسعه‌یافته ایفا می‌کنند. این عوامل عبارتند از: الف) انتقال به سمت

1 Peter Blau

2 Resource theory

3 Abbott and Wallace

4 Xu & Lai

5 Wolf

6 Warner, R

7 William Good

8 Rodman, Hyman

یک اخلاق زناشویی برابری‌گرا، ب) وجود درجه‌ی بالایی از انعطاف‌پذیری در مورد توزیع قدرت در خانواده و ج) اهمیتی که تحصیلات، شغل و درآمد در این جوامع در تعریف و تبیین پایگاه فرد داشته و دارد. از نظر ردمن توازن قدرت زناشویی از طریق تعادل بین ۱) منابع نسبی زن و شوهر و ۲) انتظارات فرهنگی یا خرده‌فرهنگی در مورد توزیع قدرت زناشویی شکل می‌گیرد (قادری، ۱۳۷۵: ۱۰).

از نظر کالینز وقتی یکی از دو جنس به گونه نسبی، منابع مادی را در کنترل خود دارد صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این راه می‌تواند این شکل از کنترل رابطه را به نظام خانواده سرایت دهد. در چنین مواقعی جنس با قدرت کم، باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی چیره شود (کالینز، ۱۹۹۳: ۱۳۵).

تورشتاین و بلن<sup>۲</sup> در نظریه «مصرف خودنمایانه» معتقد است که در مرحله شهرنشینی، «مصرف خودنمایانه» در خدمت نشان دادن ثروت قرار می‌گیرد. و بلن فکر می‌کرد که طبقات مرفه بدین وسیله به اقتداری هنجاری دست می‌یابند و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کنند (فاضلی، همان: ۲۱-۲۰). و بلن پدیده مد را نیز به کمک انگیزش‌های اجتماعی رقابت‌آمیز تبیین می‌کرد «به روز بودن» معیاری است که طبقه مرفه، برای باز تولید جایگاه مرفه مسلط خود تعریف می‌کند (همان: ۲۲). و بلن در جایی سبک زندگی فرد را تجلی رفتاری مکانیسم روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

جورج زیمل<sup>۳</sup> در «نظریه مصرف» معتقد است در زندگی شهری، درگیر شدن در نظام تقسیم کار پیچیده، دستمایه‌های هویت و تمایز از دیگران را زایل کرده است. در چنین وضعیتی، شیوه خاص مصرف کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر، در کلان شهر است (فاضلی، همان: ۲۴). او در جایی می‌گوید، سبک زندگی، تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزشهای بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی و شناساندن آن به دیگران. به عبارت دیگر انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، صورت‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمل توان چنین گزینشی را «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط را، «سبک زندگی» می‌نامد (همان: ۲۰۵). در کل زیمل در تحلیل مصرف‌گرایی جامعه مدرن، بر مقوله‌ای همچون مد تأکید دارد. به نظر وی، مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سویی برای فرد هویت بخش بوده و از سوی دیگر، متمایز کننده است (خواجه نوری، ۱۳۹۰: ۲۸).

پیر بوردیو<sup>۴</sup> سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند. بوردیو در جای دیگر سبک زندگی را دارایی‌هایی می‌داند که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف، خود را با قصد تمایز یا بدون قصد آن، از دیگران متمایز می‌کنند (مهدوی کنی، همان: ۲۰۷).

1 Collins

2 Thorstein Veblen

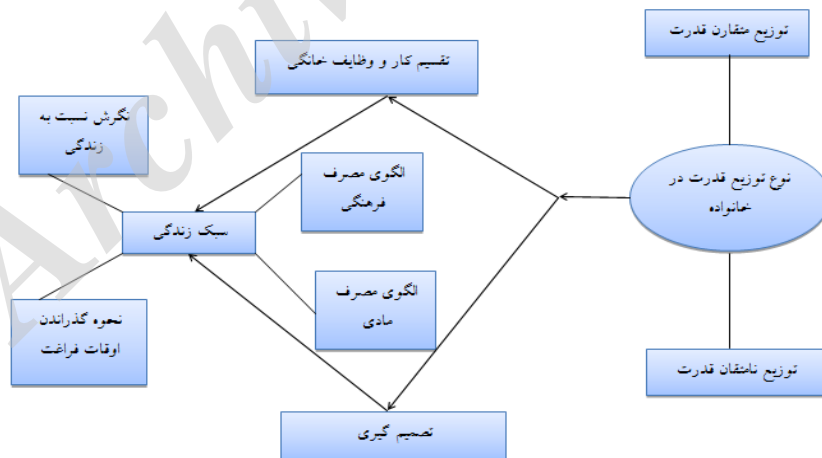
3 Georg Simmel

4 Pierre Bourdieu

در میان انواع سرمایه، سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در اندیشه بوردیو ایفا می‌کند. جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل وی درباره سبک زندگی بر همین نوع سرمایه فرهنگی متکی است (فاضلی، همان: ۳۸-۳۷). بوردیو وجود اشکال مختلف سرمایه را مهیا کننده ساختاری بنیادین برای سازماندهی میدان‌ها می‌داند (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰). به اعتقاد بوردیو، منش، نظامی از تمایلات بادوام و قابل انتقال است که به عنوان مولد اعمال ساخت یافته و به شکل عینی مجسم شده، عمل می‌کند. منش به صورت اصولی در می‌آید که مردم را قادر می‌سازد بر کنش‌های خود کنترل داشته باشند (همان: ۴۰-۳۹). بوردیو قریحه را ظرفیت یا توانایی می‌داند که از طریق آن می‌توان گروهی از اشیا یا اعمال را بصورت مادی و نمادین و به معنای مجموعه‌ای ترجیحات، متمایز کرد (همان: ۴۳). مفهوم منش قادر است ویژگی مصرف در نزد هر طبقه را تبیین کند. او معتقد است قریحه‌های برآمده از طبقات دارای سرمایه فرهنگی اندک، بر کارکرد آنچه مصرف می‌شود تأکید دارد، اما قریحه ناب، بر شکل و فرم تکیه می‌کند. قریحه طبقات پایین تر بر مقدار مصرف تأکید دارد و قریحه ناب بر کیفیت آنچه مصرف می‌شود. در قریحه ناب است که شیوه و راه و رسم مصرف اهمیت دارد (همان: ۴۴).

گیدنزسبک زندگی را مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر میکند که فرد آنها را بکار می‌گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۶). سبک زندگی، روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگی و مادی است، که استقرار معیارهای هویتی راه در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۷).

### مدل نظری تحقیق



شکل شماره ۱. مدل نظری تحقیق

همانگونه که در مدل نظری تحقیق مشاهده می‌گردد در پژوهش حاضر، نوع توزیع قدرت در خانواده به عنوان متغیر مستقل، با دو شاخص کلی تصمیم‌گیری و تقسیم کار و وظایف خانگی و دردو بعد متقارن (دموکراتیک) و نامتقارن (غیر دموکراتیک) عملیاتی شده است و سبک زندگی (متغیر وابسته) با چهار شاخص الگوی مصرف فرهنگی، الگوی مصرف مادی، نگرش نسبت به زندگی و نحوه گذراندن اوقات فراغت و درسه بعد سنتی، بینابین و مدرن مورد بررسی قرار گرفته است.

### فرضیه‌های تحقیق<sup>۱</sup>

#### فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد میان توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی

- به نظر می‌رسد میان توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف فرهنگی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف مادی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان توزیع قدرت در خانواده و نگرش زنان نسبت به زندگی رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان توزیع قدرت در خانواده و نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان رابطه معنادار وجود دارد.

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر به منظور بررسی توزیع قدرت در خانواده، و ارزیابی تأثیر متغیر مستقل بر متغیر تابع، یعنی توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان، از روش پیمایش<sup>۲</sup> و روش اسنادی استفاده شده است. این پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی، به لحاظ زمان، مقطعی و به لحاظ معیار وسعت، پهنای نگر می‌باشد. در مطالعه حاضر واحد تحلیل خانواده و سطح مشاهده فرد می‌باشد. جامعه آماری<sup>۳</sup> را کلیه زنان متأهل مناطق ۱ و ۱۹ شهر تهران تشکیل می‌دهند. بر اساس آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶، زنان متأهل منطقه ۱ شهر تهران ۱۱۴۵۲۱ نفر و زنان متأهل منطقه ۱۹ شهر تهران ۶۵۱۲۳ نفر می‌باشند و حجم جامعه آماری ۱۷۹۶۴۴ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای در دسترس می‌باشد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران<sup>۴</sup>، برابر ۳۸۳ نفر برای کل مناطق ۱ و ۱۹ (۲۴۴ نفر در منطقه ۱ و

1 Hypothesis  
2 Survey  
3 Universe  
4 W.G.Cochran

۱۳۹ نفر در منطقه ۱۹) در نظر گرفته شده است. در تحقیق حاضر روایی<sup>۱</sup> پرسشنامه، روایی صوری<sup>۲</sup> بوده و برای تعیین پایایی<sup>۳</sup> پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتیجه آن ۰/۸۳ بود، و در نتیجه پایایی پرسشنامه ۰/۸۳ می‌باشد. رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته با استفاده از آزمون کای اسکوئر<sup>۲</sup> (بررسی گردیده است).

جدول شماره ۱، ضرایب پایایی مفاهیم تحقیق

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	سطح معنی داری
توزیع قدرت در خانواده	۷۸۶.۰	معنی دار
تصمیم‌گیری	۸۱۹.۰	معنی دار
الگوی تقسیم کار خانگی	۷۵۶.۰	معنی دار
سبک زندگی	۷۷۲.۰	معنی دار
الگوی مصرف مادی	۷۵۶.۰	معنی دار
نگرش نسبت به زندگی	۷۴۳.۰	معنی دار
نحوه گذراندن اوقات فراغت	۷۸۹.۰	معنی دار

## تعریف مفاهیم

### ۱. متغیر مستقل

قدرت از نظر ماکس وبر «مجال یک فرد یا تعدادی از افراد، برای اعمال اراده خود، حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۳۲). می‌باشد. قدرت در خانواده یک مفهوم چند بعدی است که به طور غیر مستقیم می‌تواند از طریق الگوهای تصمیم‌گیری اندازه‌گیری شود و منظور از ساخت قدرت در خانواده الگوهای ساخت یافته تصمیم‌گیری در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۷). در پژوهش حاضر، توزیع قدرت در خانواده با دو شاخص کلی الگوی تصمیم‌گیری والگوی تقسیم کار خانگی و در دو بعد متقارن (دموکراتیک) و نامتقارن (غیر دموکراتیک)، با ۱۳ گویه پنج گزینه‌ای، در سطح مقیاس ترتیبی و با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ عملیاتی شده است.

بلاد معتقد است «بهترین و مطلوب‌ترین نوع تصمیم‌گیری‌ها نه تنها باید برابانه و صمیمانه باشد، بلکه باید دو جانبه بودن را نیز در بر گیرد» (صبوری ۱۳۷۶: ۷۸). برای عملیاتی کردن مفهوم الگوی تصمیم‌گیری در دو بعد متقارن (دموکراتیک) و نامتقارن (غیر دموکراتیک)، از ۹ گویه پنج گزینه‌ای در سطح مقیاس ترتیبی استفاده شد. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۸۱ است. الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن در دو بعد اقناعی (اعمال تصمیم با دادن دلیل و اطلاعات) و اجباری (اعمال تصمیم با زور و خشونت) در نظر گرفته شده است.

1 Validity

2 Face Validity

3 Reliability

الگوی تقسیم کارخانگی به سهم هر یک از زوجین در انجام کارهای خانگی اشاره دارد. این مفهوم در دو بعد متقارن و نامتقارن با ۴ گویه پنج گزینه ای در سطح مقیاس ترتیبی سنجیده شد و میزان آلفای آن ۰/۷۵ است.

## ۲. متغیر وابسته

سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآوردند، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد (رحمت آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۹). این مفهوم از ۲۴ گویه پنج گزینه ای با شاخص‌های الگوی مصرف فرهنگی، الگوی مصرف مادی، نگرش، اوقات فراغت و مدیریت بدن و در سه بعد مدرن، بینابین و سنتی با میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۷ سنجیده شده است.

الگوی مصرف فرهنگی، سلیقه و قریحه افراد در مصرف کالاهای فرهنگی است. برای عملیاتی کردن این مفهوم در ۳ بعد مدرن، سنتی و بینابین و در سطح مقیاس اسمی در زمینه تلویزیون داخلی، رسانه‌های خارجی، کتاب، مجله و روزنامه، اینترنت تلفن همراه و تلگرام استفاده گردید.

الگوی مصرف مادی، سلیقه و قریحه افراد در مصرف کالاهای مادی است. برای عملیاتی کردن این مفهوم در سه بعد مدرن، بینابین و سنتی از ۵ گویه پنج گزینه ای در سطح مقیاس ترتیبی، با آلفای کرونباخ ۰/۷۵ استفاده گردید.

نگرش<sup>۱</sup> نظری است که درباره افراد، چیزها یا رویدادها ابراز می‌گردد. و منعکس کننده نوع احساس فرد درباره آن است (رابینز، ۱۳۷۶: ۴۰). این مفهوم در تعریف عملیاتی با ۶ گویه (۵ گویه پنج گزینه ای و ۱ گویه دو گزینه ای) در سطح مقیاس اسمی و ترتیبی و در سه بعد مثبت و منفی و بینابین، با آلفای ۰/۷۴ سنجیده شده است.

نحوه گذراندن اوقات فراغت عبارتست از فعالیتهایی که افراد در زمان فراغت انجام می‌دهند (فاضلی، همان: ۱۲۷). برای عملیاتی کردن مفهوم نحوه گذراندن اوقات فراغت، در ۳ بعد زیاد، متوسط و کم، از ۴ گویه پنج گزینه ای در سطح مقیاس ترتیبی با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ استفاده گردید.

## سیمای آماری پاسخگویان

در تحقیق حاضر بیش از نیمی از پاسخگویان جمعیت مورد مطالعه (۶۴ درصد) از منطقه یک تهران و مابقی (۳۶ درصد) از منطقه نوزده تهران بوده‌اند. افرادی که در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال هستند بیشترین فراوانی (۵۱ درصد) و افرادی که در رده سنی بالای ۵۰ سال هستند کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (۴ درصد). رنج سنی پاسخگویان بین ۲۷ تا ۶۹ سال بوده است که به طور متوسط حدوداً ۴۵ ساله بوده‌اند. ۴۱ درصد از پاسخگویان منطقه ۱ دارای تحصیلات دیپلم و پائین‌تر، ۴۴ درصد دارای تحصیلات

فوق دیپلم و لیسانس و ۱۵ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. ۸۶ درصد از پاسخگویان منطقه ۱۹ دارای تحصیلات دیپلم و پائین‌تر، ۱۳ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و ۱ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. در مجموع دو منطقه، ۵۷ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و پائین‌تر، ۳۲ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و ۱۰ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. ۳۹ درصد از پاسخگویان منطقه ۱ شاغل و ۶۱ درصد بیکار بوده‌اند و در بین شاغلین نیز بیشتر زنان جمعیت مورد مطالعه در مشاغل «علمی، فنی، تخصصی» مشغول به فعالیت بوده‌اند. ۱۸ درصد از پاسخگویان منطقه ۱۹ شاغل و ۸۲ درصد بیکار بوده‌اند و در بین شاغلین نیز بیشتر زنان جمعیت مورد مطالعه در مشاغل «دفتری - اداری» اشتغال داشته‌اند. در مجموع ۳۱ درصد شاغل و ۶۹ درصد بیکار بوده‌اند و در بین شاغلین نیز بیشتر زنان جمعیت مورد مطالعه در مشاغل «دفتری - اداری» و «علمی، فنی، تخصصی» مشغول به فعالیت بوده‌اند.

جدول شماره ۲: جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مفهوم توزیع قدرت در خانواده

متغیر	منطقه یک		منطقه نوزده		کل	
	فراوانی (F)	درصد (P)	فراوانی (F)	درصد (P)	فراوانی (F)	درصد (P)
نامتقارن	۱۲۵	۲.۵۱	۸۳	۷.۵۹	۲۰۸	۳.۵۴
متقارن	۱۱۹	۸.۴۸	۵۶	۳.۴۰	۱۷۵	۷.۴۵
جمع	۲۴۴	۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰	۳۸۳	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۲، توزیع قدرت در ۵۱ درصد از خانواده‌های منطقه ۱ شهر تهران، نامتقارن و در ۴۹ درصد از خانواده‌ها، متقارن ارزیابی شده است. در منطقه ۱۹، توزیع قدرت در ۶۰ درصد از خانواده‌ها نامتقارن، و در ۴۰ درصد از خانواده‌ها، متقارن ارزیابی شده است. در مجموع دو منطقه نتایج حاکی از این است که توزیع قدرت در ۵۴ درصد از خانواده‌های معاصر، نامتقارن و در ۴۶ درصد از خانواده‌ها، متقارن ارزیابی شده است.

جدول شماره ۳: جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مفهوم سبک زندگی

متغیر	منطقه یک		منطقه نوزده		کل	
	فراوانی (F)	درصد (P)	فراوانی (F)	درصد (P)	فراوانی (F)	درصد (P)
سنتی	۴۳	۶.۱۷	۲۶	۷.۱۸	۶۹	۱۸
بینابین	۶۰	۶.۲۴	۳۸	۳.۲۷	۹۸	۶.۲۵
مدرن	۱۴۱	۸.۵۷	۷۵	۵.۴	۲۱۶	۴.۵۶
جمع	۲۴۴	۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰	۳۸۳	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۳، سبک زندگی ۱۸ درصد از زنان متأهل منطقه ۱ شهر تهران، سنتی و در مقابل سبک زندگی ۵۸ درصد از پاسخگویان، مدرن ارزیابی شده است. در منطقه ۱۹ شهر تهران، سبک زندگی ۱۹ درصد از پاسخگویان سنتی و در مقابل سبک زندگی ۵۴ درصد، مدرن ارزیابی شده است. در مجموع دو منطقه، سبک زندگی ۱۸ درصد از پاسخگویان سنتی و در مقابل سبک زندگی ۵۶ درصد از پاسخگویان، مدرن ارزیابی شده است.

### یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیات)

#### فرضیه اول: "بین توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان رابطه معنادار وجود دارد"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است، نتایج حاصل در جدول شماره ۴ ارائه شده است؛

جدول شماره ۴: بررسی رابطه بین توزیع قدرت و سبک زندگی در خانواده

کل		نامتقارن		مقارن		توزیع قدرت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	سبک زندگی
۱۰۰	۶۹	۶.۵۳	۳۷	۴.۴۶	۳۲	سنتی
۱۰۰	۹۸	۱.۵۵	۵۴	۹.۴۴	۴۴	بینابین
۱۰۰	۲۱۶	۹.۵۰	۱۱۰	۱.۴۹	۱۰۶	مدرن
۱۰۰	۳۸۳	۳.۵۴	۲۰۸	۷.۴۵	۱۷۵	کل

Chi-Square	df	Sig
۲۲۱.۴	۲	.۰۴۹

در خصوص بررسی رابطه میان توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان، نتایج حاصل از آزمون خی دو ( $\chi^2 = ۲۲۱.۴$ )، با درجه آزادی ( $df = ۲$ )، و سطح معناداری ( $Sig = ۰.۰۴۹$ )، نشان می‌دهد که بین سبک زندگی و توزیع قدرت در خانواده رابطه معناداری وجود دارد، بدین معنی که با توجه به توزیع نسبت‌ها در داخل جدول، با مدرن شدن سبک زندگی، توزیع قدرت در خانواده متقارن تر می‌شود، همانطور که ملاحظه می‌شود در خانواده‌هایی که سبک زندگی سنتی دارند، ۵۴ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۴۶ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند این در حالی است که در خانواده‌هایی که سبک زندگی مدرن دارند، ۵۱ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۴۹ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند.



**فرضیه دوم: "بین توزیع قدرت در خانواده و نگرش زنان نسبت به زندگی رابطه معنادار وجود دارد"**

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون کای اسکور استفاده شده است، نتایج آن بدین قرار است:

**جدول شماره ۵: بررسی رابطه بین نگرش زنان نسبت به زندگی و توزیع قدرت در خانواده**

کل		نامتقارن		متقارن		توزیع قدرت نگرش نسبت به زندگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۲۱	۱.۵۷	۱۲	۹.۴۲	۹	منفی
۱۰۰	۵۴	۷.۵۳	۲۹	۳.۴۶	۲۵	بینابین
۱۰۰	۳۰۸	۲.۵۴	۱۶۷	۸.۴۵	۱۴۱	مثبت
۱۰۰	۳۸۳	۳.۵۴	۲۰۸	۷.۴۵	۱۷۵	کل

Chi-Square	df	Sig
۰.۷۷	۲	۰.۹۶۲

در خصوص بررسی رابطه بین نگرش زنان نسبت به زندگی و توزیع قدرت در خانواده، نتایج حاصل

از آزمون خی دو ( $\chi^2 = 0.77$ )، با درجه آزادی ( $df = 2$ )، و سطح معناداری ( $Sig = 0.962$ )، نشان می‌دهد که بین نگرش زنان نسبت به زندگی و توزیع قدرت در خانواده رابطه معناداری وجود ندارد، البته با توجه به توزیع نسبت‌ها در داخل جدول، با افزایش نگرش مثبت به زندگی، توزیع قدرت در خانواده متقارن‌تر می‌شود، اما این رابطه به لحاظ آماری معنادار نیست.

**فرضیه سوم: "بین توزیع قدرت در خانواده و میزان گذراندن اوقات فراغت زنان رابطه معنادار وجود دارد"**

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون کای اسکور استفاده شده است، نتایج آن بدین قرار است:

جدول شماره ۶: بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های فراغتی و توزیع قدرت در خانواده

کل		نامتقارن		مقارن		توزیع قدرت / فعالیت‌های فراغتی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۱۵۰	۳.۵۳	۸۰	۷.۴۶	۷۰	کم
۱۰۰	۹۷	۹.۶۴	۶۳	۱.۳۵	۳۴	متوسط
۱۰۰	۱۳۶	۸.۴۷	۶۵	۲.۵۲	۷۱	زیاد
۱۰۰	۳۸۳	۳.۵۴	۲۰۸	۷.۴۵	۱۷۵	کل

Chi-Square	df	Sig
۸۰۹.۶	۲	۰.۳۳.۰

در خصوص بررسی رابطه بین توزیع قدرت در خانواده و میزان فعالیت‌های فراغتی زنان، نتایج حاصل از آزمون  $\chi^2$  (۸۰۹.۶) با درجه آزادی (df) ۲، و سطح معناداری (Sig) = ۰.۳۳.۰، نشان می‌دهد که بین میزان فعالیت‌های فراغتی و توزیع قدرت در خانواده رابطه معناداری وجود دارد، بدین معنی که با توجه به توزیع نسبت‌ها در داخل جدول، با افزایش میزان فعالیت‌های فراغتی زنان، توزیع قدرت در خانواده متقارن‌تر می‌شود، همانطور که ملاحظه می‌شود در خانواده‌هایی که میزان فعالیت‌های فراغتی زنان زیاد می‌باشد، ۴۸ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۵۲ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند این در حالی است که در خانواده‌هایی که میزان فعالیت‌های فراغتی زنان کم می‌باشد، ۵۳ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۴۷ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند.

### فرضیه چهارم: "بین توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف فرهنگی زنان رابطه معنادار وجود دارد"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است، نتایج حاصل در جدول شماره ۷ بررسی شده است؛

جدول شماره ۷: بررسی رابطه بین مصرف فرهنگی و توزیع قدرت در خانواده

کل		نامتقارن		مقارن		توزیع قدرت / مصرف فرهنگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۶	۸.۵۳	۵۷	۲.۴۶	۴۹	سنتی
۱۰۰	۲۰۰	۵.۵۲	۱۰۵	۵.۴۷	۹۵	بینابین
۱۰۰	۷۷	۷.۵۹	۴۶	۳.۴۰	۳۱	مدرن
۱۰۰	۳۸۳	۳.۵۴	۲۰۸	۷.۴۵	۱۷۵	کل

Chi-Square	df	Sig
۱۹۱.۱	۲	۵۵۱.۰

در خصوص بررسی رابطه بین توزیع قدرت در خانواده والگوی مصرف فرهنگی زنان، نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ( $\chi^2 = 191.1$ )، با درجه آزادی ( $df$ ) ۲، و سطح معناداری ( $Sig = 0.000$ )، نشان می‌دهد که بین الگوی مصرف فرهنگی و توزیع قدرت در خانواده رابطه معناداری وجود ندارد.

### فرضیه پنجم: "بین توزیع قدرت در خانواده والگوی مصرف مادی زنان رابطه معنادار وجود دارد"

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است، نتایج آن بدین قرار است؛ جدول شماره ۸: بررسی رابطه بین مصرف مادی و توزیع قدرت در خانواده

توزیع قدرت مصرف مادی	مقارن		نامتقارن		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مدرن	۴۰	۵۸	۲۹	۴۲	۶۹	۱۰۰
بینابین	۵۹	۳۰.۳۹	۹۱	۷۶.۰	۱۵۰	۱۰۰
سنتی	۷۶	۳۰.۴۶	۸۸	۷۵.۳	۱۶۴	۱۰۰
کل	۱۷۵	۷۰.۴۵	۲۰۸	۳۰.۵۴	۳۸۳	۱۰۰

Chi-Square	df	Sig
۶۶۴.۶	۲	۰.۰۳۶

در خصوص بررسی رابطه بین توزیع قدرت در خانواده والگوی مصرف مادی زنان، نتایج حاصل از آزمون خی‌دو ( $\chi^2 = 664.6$ )، با درجه آزادی ( $df$ ) ۲، و سطح معناداری ( $Sig = 0.000$ )، نشان می‌دهد که بین الگوی مصرف مادی و توزیع قدرت در خانواده رابطه معناداری وجود دارد، بدین معنی که با توجه به توزیع نسبت‌ها در داخل جدول، با مدرن تر شدن الگوی مصرف مادی زنان، توزیع قدرت در خانواده متقارن تر می‌شود، همانطور که ملاحظه می‌شود در بین خانواده‌هایی که مصرف مادی مدرن دارند، ۴۲ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۵۸ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند این در حالی است که در بین خانواده‌هایی که مصرف مادی سنتی دارند، ۵۴ درصد توزیع قدرت نامتقارن و ۴۶ درصد توزیع قدرت متقارن را تجربه می‌کنند.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی نحوه توزیع قدرت در خانواده معاصره عنوان یک مسأله اجتماعی پرداخت . طبق نتایج بدست آمده، در منطقه ا(شمال) شهر تهران، ۵۱ درصد از خانواده ها، توزیع قدرت نامتقارن و در ۴۹ درصد از خانواده‌ها، توزیع قدرت متقارن است . این در حالیست که در منطقه ۱۹ (جنوب) شهر تهران، ۶۰ درصد از خانواده‌ها، از توزیع قدرت نامتقارن و ۴۰ درصد از خانواده‌ها از توزیع قدرت متقارن

برخورد دارند. در مجموع، نتایج حاکی از آن است که توزیع قدرت، در ۵۶ درصد از خانواده‌های معاصر، نامتقارن مرد محور و در ۴۶ درصد از خانواده‌ها، متقارن می‌باشد. نتایج بدست آمده بدین ترتیب با نتایج تحقیقات گروسی در کرمان (۱۳۸۷) که ساختار قدرت خانوادگی به نفع شوهر است مطابقت دارد. در منطقه ۱ شهر تهران، در ۲۸ درصد از خانواده‌ها، الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن، و در ۷۲ درصد از خانواده‌های منطقه مذکور، الگوی تصمیم‌گیری متقارن حاکم است. قابل ذکر است که در ۸۵ درصد از خانواده‌های منطقه ۱ شهر تهران که الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن و غیردموکراتیک را تجربه می‌کنند، شیوه اعمال تصمیم، اقناعی و در ۱۵ درصد از این خانواده‌ها، شیوه اعمال تصمیم، اجباری می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، در منطقه ۱۹ شهر تهران، در ۴۴ درصد از خانواده‌ها، الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن، و در ۵۶ درصد از خانواده‌های منطقه مذکور، الگوی تصمیم‌گیری متقارن حاکم است. در ۸۲ درصد از خانواده‌های منطقه ۱۹ شهر تهران که الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن و غیردموکراتیک را تجربه می‌کنند، شیوه اعمال تصمیم، اقناعی و در ۱۸ درصد از خانواده‌ها، شیوه اعمال تصمیم، اجباری می‌باشد. در مجموع در دو منطقه نتایج حاکی از این است که در ۳۴ درصد از خانواده‌های معاصر، الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن و در ۶۶ درصد از خانواده‌ها، الگوی تصمیم‌گیری متقارن حاکم می‌باشد. در ۸۴ درصد از خانواده‌هایی که الگوی تصمیم‌گیری نامتقارن را تجربه می‌کنند، شیوه اعمال تصمیم، اقناعی و در ۱۶ درصد از خانواده‌ها شیوه اعمال تصمیم، اجباری می‌باشد و مردان جهت اعمال تصمیم خود در خانواده از اجبار و خشونت استفاده می‌کنند. در کنکاش حاضر، ۸۳ درصد از خانواده‌های منطقه ۱ شهر تهران، الگوی تقسیم کارخانگی نامتقارن و ۱۷ درصد از خانواده‌های این منطقه، از الگوی تقسیم کار خانگی متقارن برخوردار می‌باشند. ۹۰ درصد از خانواده‌های معاصر منطقه ۱۹ شهر تهران، الگوی تقسیم کار خانگی نامتقارن و ۱۰ درصد از خانواده‌های منطقه ۱۹ شهر تهران از الگوی تقسیم کار خانگی متقارن برخوردارند. در مجموع در دو منطقه نتایج حاکی از این است که الگوی تقسیم کار خانگی در ۸۶ درصد از خانواده‌های معاصر شهر تهران، نامتقارن و در ۱۴ درصد از خانواده‌ها، متقارن ارزیابی شده است. بین توزیع قدرت در خانواده و سبک زندگی زنان رابطه معناداری وجود دارد، بدین معنی که هرچه توزیع قدرت در خانواده متقارن‌تر و دموکراتیک‌تر باشد سبک زندگی زنان مدرن‌تر است. در خصوص رابطه بین نگرش زنان نسبت به زندگی و توزیع قدرت در خانواده، نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌دارد که با افزایش میزان قدرت متقارن در خانواده، زنان نگرش مثبت به زندگی پیدا می‌کنند. نتیجه حاضر با نتایج تحقیقات گروسی (۱۳۸۷)، مبنی بر اینکه میان ساخت قدرت در خانواده و نوع باورها و شناخت زنان از توانایی زنان و مردان و برخی عوامل زمینه‌ای دیگر، رابطه معناداری وجود دارد، نزدیک است. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که با افزایش میزان فعالیت‌های فراغتی، توزیع قدرت در خانواده متقارن‌تر می‌شود و بالعکس؛ هر چه توزیع قدرت در خانواده نامتقارن‌تر باشد میزان فعالیت‌های فراغتی زنان کاهش می‌یابد. در تحقیق حاضر میان توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف فرهنگی رابطه معناداری دیده نشد بدین معنا که استفاده از کالاهای فرهنگی مدرن یا سنتی، متأثر از توزیع قدرت در خانواده معاصر نیست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین توزیع قدرت در خانواده و الگوی مصرف مادی رابطه

معناداری وجود دارد، بدین معنی كه هرچه توزیع قدرت در خانواده متقارن تر باشد الگوی مصرف زنان تمایل به مصرف مادی و اقتصادی دارد. دستیافت حاضر بادیگاه نظریه پردازان تئوری مبادله و منابع، تحلیل مصرف گرایی جامعه مدرن زیمل و نظریه «مصرف خودنمایانه» و بلن آنجاكه بیان می‌دارد؛ مصرف خودنمایانه در خدمت دستیابی به اقتداری هنجاری قرار می‌گیرد همخوانی دارد. با توجه به آنچه بیان شد باید گفت كه قدرت در خانواده معاصر، نیازمند توزیع متقارن تر و عادلانه‌تری است. در بسیاری از خانواده‌های معاصر كه الگوی تصمیم‌گیری غیر دموكراتیک و نامتقارن مرد محور بر آنها حاكم است، اعمال تصمیمات از راه اجبار و خشونت صورت می‌پذیرد. بنیان‌ها و سازه‌های ارزشی و هنجاری جامعه در رابطه با توزیع قدرت در خانواده معاصر و همچنین سبك زندگی زنان جامعه، نیاز به بازنگری و نوسازی دارد. به جاست تا مدیران فرهنگی جامعه در راستای داشتن شهروندانی سالم، خانواده‌های سالم و جامعه سالم، در قالب برنامه‌های فرهنگی و آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، خانواده متعادل و ایده آل با توزیع قدرت متقارن، عدالت محور و دموكراتیک را برای عموم جامعه به تصویر كشیده و نهادینه سازندو به منظور بهبود بخشیدن به سبك زندگی زنان جامعه و توانمند سازی آنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و فعال شدن تشك‌ها و نهادهای آموزشی در زمینه ارتقاء کیفیت سبك زندگی زنان، سیاست‌هایی اتخاذ نمایند.

### توصیه‌ها و پیشنهادات

- افزایش عزت نفس و خودباوری زنان جامعه و ایجاد تغییر در باورها و نگرش آنان نسبت به توانمندیها و قابلیت‌های خود و سبکی كه در زندگی برای خود به عنوان یکی از ارکان و پایه‌های اساسی خانواده و همچنین به عنوان عضوی از اجتماع برمی‌گزینند.
- فرهنگ سازی در راستای افزایش اعتماد عموم نسبت به توانمندی زنان به عنوان عضوی از خانواده و اجتماع چرا كه یکی از انواع خشونت علیه زنان و دختران، ناتوان پنداری آنان در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده است.
- فراهم نمودن تمهیدات و امکانات لازم جهت دستیابی خانواده‌ها به فرصت‌های زندگی من جمله شغل، تحصیلات و درآمد مناسب، ازدواج موفق، بهداشت مناسب، امکانات تحصیلی فرزندان و... به منظور داشتن خانواده‌هایی توانمند و سالم.
- ایجاد روحیه تعاون، همکاری و هماهنگی، روابط دوستانه، صمیمانه و دوسویه و مبتنی بر احترام متقابل میان همسران و تأکید بر اهمیت و مزایای مشورت و مشاركت زن و مرد در محیط‌های خانگی از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به منظور داشتن خانواده‌هایی دموكراتیک و متعادل چرا كه نا برابری در محیط خانواده به زن و مرد، هرد آسیب می‌زند.
- ایجاد نهادها و تشك‌هایی توسط مسئولین فرهنگی جامعه جهت برنامه ریزی و هدایت هدف دار فعالیت‌های فراغتی و بهبود الگوی مصرف زنان، جهت ارتقاء سبك زندگی خانواده.

- نظام آموزشی کشور، در راستای سیاست‌های کوتاه مدت و بلند مدت با بازنگری در محتوای کتب درسی، علی‌الخصوص کتب درسی علوم اجتماعی، و برنامه‌های فوق درسی، زمینه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و سبک زندگی سالم زنان و مردان آینده جامعه و خانواده‌ها را افزایش داده و به حد مطلوب برساند.

## منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- آریان پور، ا. ح (۱۳۸۰). زمینه جامعه‌شناسی. تهران: نشر گستره.
- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. نامه علوم اجتماعی. سال پنجم، شماره ۲۰.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی مدرنیته‌ی در گذار: نسل دوم. تهران: نشر علم.
- اسپری، لن؛ کارلسون، ج ولویس، جودیت (۱۳۷۸). خانواده درمانی - تضمین درمان کارآمد. ترجمه: شکوه نوابی نژاد. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اکبر زاده، محمد (۱۳۸۶). سبک زندگی و مصرف. تهران: نشر ققنوس.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۴). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- جلالی پور، حمید رضا و جمال محمدی (۱۳۸۷). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- خواجه نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سمیه (۱۳۹۰). سبک زندگی و مدیریت بدن. فصلنامه علمی - پژوهشی زنان. سال دوم، شماره ۴.
- ذوالفقار پور، محبوبه (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین ساختار قدرت با رضایت مندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- رایبیز، استیفن (۱۳۷۶). مبانی رفتار سازمانی. ترجمه: علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رحمت آبادی، الهام و آقا بخشی، حبیب (۱۳۸۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). زن، قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده. فصل نامه پژوهش زنان، سال ۳، شماره ۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.

- ساروخانی، باقر و امیر پناهی، محمد (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. پژوهش زنان . دوره ۴. شماره ۳.
- سعیدیان، فاطمه (۱۳۸۲) . بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی. دانشگاه تربیت معلم.
- سفیری، خدیجه ؛ آراسته، راضیه. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده، مجله علمی و پژوهشی تحقیقات زنان، سال ۲، شماره ۱.
- شریفیان، هدایت (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- صبوری، حبیب (۱۳۷۶). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده . پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم : صبح صادق .
- قادری، فرحناز (۱۳۷۵). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی شیراز). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- قندهاری، پردیس (۱۳۸۲). زن و قدرت. تهران: نشر معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم شناسی.
- گروسی، سعیده (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان. مطالعات زنان. دوره ۶ شماره ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه: ناصر موقیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری. ترجمه : عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۶). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: خردمند. چاپ یازدهم.
- محمدی، سید بیوک (۱۳۹۱). شناسایی شاخص‌های قدرت در خانواده به روش تحقیق کیفی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. تحقیقات فرهنگی . سال اول . شماره ۱.
- مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی . (۱۳۸۲)، بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. مطالعات زنان . شماره ۲۳.
- منصوریان، محمد کریم وفرحناز قادری (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده . مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- میشل، آندره (۱۳۵۴). جامعه شناسی خانواده و ازدواج . ترجمه: فرنگیس اردلان . دانشگاه تهران.
- America Humanes National Center . (2010). Family group decision-making webinar series. New York: The Free Press .
- Collins,Randall. (1993) . Conflict Sociology; Toward an Explanatory Science. New York Academic .

- Diefenbach, H. (2002). Gender Ideologies, Relative Resources, and the Division of Household Work in Intimate Relationships: A Test of Hyman Rodman's Theory of Resources in Cultural Context "International Journal of Comparative Sociology". Vol. 43. Issue 1.
- Featherstone, Mike. (1999). Body Modification: An Introduction. Body and Society. Vol. 5. No. 2-3.
- Gazso-Windle. & Julie Ann McMullin. (2003). "Doing Domestic Labour: Strategizing in a Gendered Domain" Canadian Journal of Sociology. 28 (3).
- Lavee, Yoav. & Ruth Katz. (2002). "Division of Labor, Perceived Fairness and Marital Quality: The Effect of Gender Ideology." Journal of Marriage and Family 64(1).
- Olah, L., Rudolf Richter and Irena E. K. (2014). The new roles of men and women and implication for families and societies. New York: Prentice-Hall.
- Olson, D. H. & Cromwell, R. E. (1975). Power in families. New York: Halstal press.
- Ritzer, G. (1979). Sociology. Allyn & Bacon Inc, New York.
- Szinovacz, M. (1978). Another Look at normative resources theory: Contribution from Austrian data a research note. Journal of marriage and the family. v 40.
- Taylor, S. E., & et al. (2000). Social Psychology. New Jersey. Prentice Hall Inc.
- Turner, Jonathn H. (1998). The Structure of Sociological Theory. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- Warner, E. et al. (1985). "Dominance in Marital Decision Making in Women's Liberation & Non-Liberation Families." Journal of Marriage & the family. Vol. 14. No. 2.
- Waston, L. (2014). Gender justice for all: achieving just and equitable power relations between women and men. Landan: The Free Press.
- XU, Xiaohe. and Shu-Chuan Lai. (2002). "Resources, Gender Ideologies, and Marital Power: The".
- Zipp, John F. Prohaska, Ariane. & Bemill, Michell. (2004). "Wives, husband, and hidden power in marriage". Journal of Family Issues. Beverly Hills. Vol. 25. N. 7.
- Zuo, J. and Yanjie, B. (2005). "Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China" Journal of Comparative Family Studies 36 (4).